

هو الله - سبحانك اللهم يا إلهي لك الحمد ولك الشكر...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (76) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مكاتیب عبدالبهاء، جلد 1، صفحه 288

هو الله

سبحانك اللهم يا إلهي لك الحمد ولك الشكر على ما أنعمت و آتيت و واليت و أعطيت فاخترت عبادا مخلصين لك الدين بين العالمين و اختصاصتهم بالأقتباس من نورك المبين و الانجذاب الى جمالك المنير و السلوك على صراطك المستقيم رب ان النفوس غافلة عن ذكرك و القلوب محرومة عن حبك و الأبصار محجوبة من ملكوت الجمال و العقول ذاهلة عن مركز الجلال الا هؤلاء الذين ثبتوا على الميثاق و تركوا النفاق و اقتبسوا نور الاشراق و صموا عن النعاق و قاموا على خدمة أمرك في الآفاق و ترنخوا من كأس دهاق و لهم الحظ الأوفر و خير خلاق من فيضك المنهمر و صيب سخابك المدرار و ينبوع الفضل و الجود النابع باشد انبثاق رب اجعلهم آيات الهدى و رايات العلى و كلمات التقوى و جيوش الملائكة الأعلی و ملائكة السماء حتى يتنور بهم شرق الأرض و غربها و ينتشر بهم ذكرك في جنوبها و شمالها و يترى كل الوری في هذه النشأة الدنيا بالاسماء الحسنی و المثل الأعلى رب ارفع بهم لواء الوحدة بين البشر و راية المحبة بين الوری حتى ترجع الكثرات الى مركز الوحدة و الآيات و تنشق حجابات البغضاء و تضمحل معالم الشحناء و تزول الضغينة و العدوان في عالم الانسان و يرجعوا الى الوفاق بعد النفاق و يبذلوا البغضاء بالولاء و ينتهوا في الخيبة و الشقى و يرجوا الفوز و الفلاح و يستغيثوا بك في الجهر و الخفاء و يتبادروا الى الباقيات الصالحات في عالم الفلاح رب اشدد ظهورهم على خدمتك و قو أزورهم على عبادتك و اشرح صدورهم بنور معرفتك و نور أبصارهم بمشاهدة طلعتك و ارح أرواحهم بمعاني موهبتك و طيب نفوسهم بمظاهر رأفتك انك أنت الكريم الرحيم العزيز المعطي الوهاب لا اله الا أنت الغفور العفو الخفي الخفي الألفاف

ای یاران الهی سرور و شادمانی اهل وفا بخدمت عتبه علیاست و توجه بملکوت ابهی آرزی عاشقان جانفشانی و تمنای مشتاقان نثار جان و قربانی زیرا عشق خونریز است و شرر انگیز و آینه محبت الله شهادت کبری لهذا نفوس مقدسه و مظاهر الهیه آرزی فنا و وصول بمشهد فدا داشتند جانفشانی نمودند و نفی و آوارگی دیدند صدمات شدیدہ کشیدند اسیر سلاسل و زنجیر بودند هدف تیر شدند معرض شمشر گردیدند ملال نیاوردند کلال نجستند جام فدا از دست ساقی عنایت نوشیدند و شهد فنا با نهایت مسرت کبری چشیدند آتی راحت نیافتند دمی نیاسودند معرض شماتت اعدا گشتند مورد ملامت اهل بغضا شدند خائمان خویش بباد دادند بیسر و سامان شدند دقیقه امان نیافتند و ساعتی کام دل و



راحت جان نجسند اینست برهان عاشق صادق و اینست دلیل حیب موافق اگر چنین نبود هر بیگانه آشنا بود و هر محروم محرم راز و هر بعید قریب و هر محبوب محبوب لهذا حکمت کبری اقتضا نمود که آتش امتحان شعله زند و سیل افتتان طغیان نماید تا صادق از کاذب ممتاز گردد و موافق از منافق افتراق یابد خود پرست از خدا پرست جدا شود و ثمره طیبه از ثمره خبیثه ممتاز گردد آیات نور باهر گردد و ظلام دیجور زائل شود بلبل وفاء بسراید و غراب جفا سیرت خویش بنماید ارض طیبه انبات شود و ارض جزه خائب و خاسر ماند منجذب جمال اهبی ثابت گردد و تابع نفس و هوی ناقض شود اینست حکمت بلایا اینست سبب رزایا

ای یاران الهی در این ایام نیریز خونریز گشت نفوسی مقدسه از یاران الهی جان بازی نمودند و در سبیل نور مبین بقربانگاه عشق شتافتند از اینجهت چشم گریان است و دل بریان آه و این باوج علین رسد و حزن شدید مآثم جدید بنماید عبدالبا را نهایت آرزو چنان که جرعه از این جام وفا نوشد و از باده فدا سرمست گردد و خاتمه حیات فاتحه الألطاف شود رب أنلی تلک الکأس الطاحفة بالفیض العظیم ورنحنی بتلک الصهباء الفیض الجلیل و أطعمنی من تلک المائدة التي لا یذوقها الا کل عبد منیب و توجنی بذلک الأکلیل الجلیل و اجعل دمی مسفوحا علی الثری و جسمی مصلوبا فی السماء و جسدی متلاشیا علی الغبراء و عظامی مفتتة من سهام القضاء انک أنت الکریم انک أنت العظیم انک أنت الرحمن الرحیم

ای یاران عبدالبا در این ایام بحسن القضاء و تأیید رب السموات العلی و توفیق ملکوت لا یری هیکل مقدس حضرت اعلی در جبل کرمل حیفا در مقام معلوم استقرار یافت لهذا قربانی لازم و جان فشانی واجب احبای نیریز از این جام لبریز سرمست شدند و بچوگان همت گوی سبقت از این میدان ربودند هنیئا لهم ثم مرینا هذا القدح الممتلأ الطاخ بصهباء محبة الله و علیهم بهاء الله الأهبی شاید من بعد از اهل نقض و نفاق افترائی زتند و کذب و بهتانی بر زبان رانند و گویند که هیکل مکرم را مقامی دیگر یا جزئی از اجزاء در موقعی دیگر یاران الهی بدانند که حرف بهتان است و کفر و نفاق و نفاق آن جسد مبارک مصلوب در کوه کرمل بتمامه استقرار یافت ولی اشرار آرام نگیرند یقین است بهتان زتند و ادعا نمایند که ما آنجسد مبارک را در بردیم یا نقل کردیم یا جزئی از اعضاء بدست آمد یا آنچه از دست ثابتین ربودند جمیع این اقوال کذب و بهتانست و آنچه حقیقت است بیان گردید و علیکم بهاء الأهبی (ع ع)